

خراسان در نگاه شفیعی

استاد شفیعی از دانشکده ادبیات مشهد، حوزه علمیه خراسان و انجمن های ادبی خراسان سر بر آورده است و بنابر این یک حسی به خراسان و به ویژه نسبت به نیشابور دارد. نیشابور یک حضور حسی در وجود ایشان، در شعر ایشان و در نگاه ایشان دارد. شاید ساعتی و روزی نباشد که کلمه نیشابور،



تندیس شفیعی در کدکن

مفهوم نیشابور، از ذهن ایشان یا از قلم ایشان نگذرد. کتاب شعر ایشان، شاید نخستین مجموعه شعر هایشان، «در کوچه باغ های نیشابور» است که بازند خاص و عام است. این کتاب سال ها قبل منتشر شد و همچنان تر و تازه در اندیشه هاست و تأثیر گذار است.

رفاقت اخوان و شجریان و بزرگان با شفیعی

در کنار اخوان ثالث، شفیعی کدکنی به عنوان نماد علاقه ویژه به خراسان معرفی می شود. دوستی شفیعی با بسیاری از شاعران خراسان، نمایان است؛ اما در این میان دوستی او با اخوان ثالث و محمدرضا شجریان از عمق ویژه ای برخوردار بود. اخوان و شفیعی از یکدیگر تأثیرات فراوانی گرفتند. محمدرضا شجریان نیز این چنین رابطه ای با استاد شفیعی داشت و بسیاری از اشعار او را در قالب آثار موسیقایی خوانده است.



شفیعی با اخوان ثالث و شجریان



حق به سلامت دارش

من همیشه وقتی به تهران می روم یا استاد محمدرضا شفیعی به مشهد می آید، همدیگر را می بینیم ولی به دلیل این که شنوایی استاد در سال های اخیر مقداری سنگین شده است، زمانی که کسی می خواهد چیزی به ایشان بگوید، باید روی کاغذ یا به صورت های دیگری صحبت هایش را بنویسد تا ایشان پاسخ دهد. هر بار از شفیعی دعوت کردم ایشان به مشهد آمده و این نشانه علاقه ویژه او به خراسان و مشهد است.



دکتر یاحقی در کنار استاد

ماجرای سفر تاجیکستان در سال ۸۹

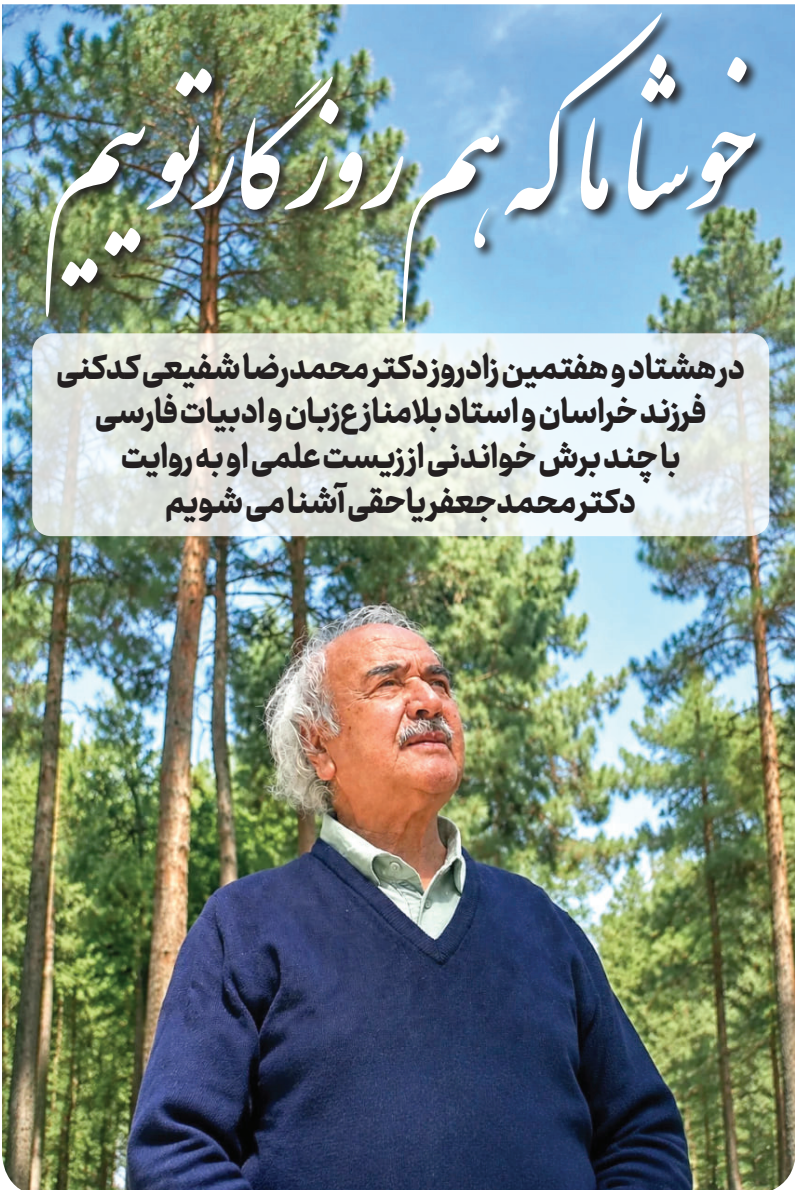
همیشه دوستان زیادی در خارج از کشور درخواست هایی را برای حضور دکتر شفیعی در کشورشان مطرح می کنند و مشتاق دیدار با ایشانند؛ اما معمولاً این دعوت ها را در نهایت احترام به طرف مقابل، نمی پذیرند. شاید بپرسید چرا؟

این ماجرا به در گذشت استاد ایرج افشار بر می گردد. ۱۸ اسفند ماه ۱۳۸۹ بود که قرار بود استاد برای شرکت در برنامه ای به تاجیکستان بروند؛ ولی همین که خبر در گذشت ایرج افشار را به او دادند از سفر



شفیعی در کنار ایرج افشار

منصرف شد؛ وقتی با ایشان تماس گرفتم و خواستم در سفر تاجیکستان همراه ما و دوستانمان در خردسرای فردوسی باشند، با بغض شدید پشت تلفن گفتند: «بعد از ایرج افشار دیگر نمی توانم به هیچ جایی سفر کنم، دیگر روحیه سفر ندارم.» بعد از آن دیگر استاد شفیعی به هیچ کشوری سفر نکرد....

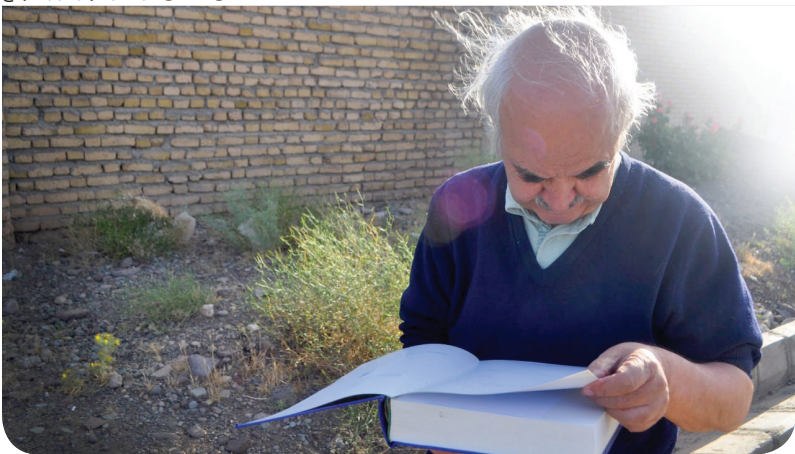


در هشتاد و هفتمین زادروز دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی
فرزند خراسان و استاد بلامنازع زبان و ادبیات فارسی
با چند برش خواندنی از زیست علمی او به روایت
دکتر محمد جعفر یاحقی آشنا می شویم

عکس: مصطفی شفیعی کدکنی



شفیعی کدکنی در کنار شهیرای و ابتهاج



عکس: مصطفی شفیعی کدکنی

محمد بهبودی نیا
culture@khorasannews.com



دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، زاده ۱۹ مهر ۱۳۱۸ در کدکن خراسان است که البته امروز به شهر تبدیل شده و از حومه نیشابور قدیم به شمار می رود. این روستا زاده نجیب در نوجوانی به مشهد آمد و درس حوزه خواند و به دلیل توان ذهنی بالا و استعداد بسیار زیاد، در فراگیری مسائل دینی و ادبیات عرب، از خود توانایی های قابل توجهی نشان داد. در مشهد، شاگرد استادانی بود که در ادبیات عرب نامدار بودند؛ از جمله ادیب نیشابوری دوم. بعد با همان کسوت وارد دانشگاه فردوسی می شود و در دانشگاه نیز خودش را به عنوان یک دانشجو موفق، صاحب مکتب و نظر نشان می دهد و مدارج را یکی پس از دیگری طی می کند. هوش و توانمندی شفیعی کدکنی در دوران کارشناسی ادبیات به حدی بود که رساله این دوره تحصیلی او با موضوع موسیقی شعر، بعدها به کتابی مشهور تبدیل شد. او شاگرد بزرگانی همچون احمد علی رجایی بخارایی و غلامحسین یوسفی بود. برخی از مجموعه شعرهای استاد شفیعی کدکنی عبارت اند: از زمزمه ها، شبخوانی، از زبان برگ، در کوچه باغ های نیشابور، بوی جوی مولیان، از بودن و سرودن. بدون تعارف باید خرسند و خوشحال باشیم که در روزگاری زیستیم که او در فضای زبان و ادبیات فارسی قدم زد و تنفس کرد.

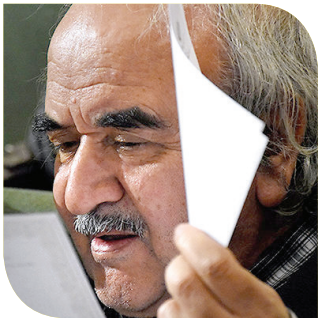
برای شنیدن ناشنیده ها درباره این استاد بزرگ و بی نظیر، به سراغ دکتر محمد جعفر یاحقی، از دوستان صمیمی او و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی رفتیم و پای صحبت هایش نشستیم.



اینشتین و شفیعی کدکنی از دانشگاه پرینستون

من اولین بار شفیعی کدکنی را در سال ۱۳۴۸ در کتابخانه آستان قدس رضوی دیدم. جوانی لاغر اندام و اوقاتش را در کتابخانه آستان قدس دکتري گرفته بود؛ دوستی ما از آن روز شروع شد و تا امروز ادامه دارد. یاد می آید در سال ۲۰۱۰، سال ۱۳۸۹ خودمان، ایشان برای فرصت مطالعاتی به دانشگاه پرینستون آمریکا رفته بود. من هم برای کنفرانسی به لس آنجلس رفته بودم که تصمیم گرفتم نزد ایشان بروم و احوالشان را بپرسم. دو شب تقریباً در پرینستون با ایشان زندگی کردم؛ در خانه ای که دانشگاه پرینستون در اختیار ایشان گذاشته بود. زندگی مجردی عالمانه را از شفیعی دیدم. آن جاتی که در اختیار استاد گذاشته بودند، نزدیک اتاقی بود که اینشتین در آن جا زندگی می کرد.

شفیعی در آن دوران از تحقیق و مطالعات طولانی مدت در طول روز دست نمی کشید، حقیقتاً او همواره به شخصیتی بسیار کوشا بوده است. استاد شفیعی در چند جمله، کوهی از تجربه و اندوخته است که چهره ها و شخصیت های متعدد و بزرگی را از نزدیک دیده و همه این ها در تکوین شخصیت ایشان موثر بوده است. این آموختن ها از او انسانی ساخته که نشستن در محضرش برای همه آموزنده است و یکی از نمونه های کوچک این ادعا شاگردانی است که کلاس هایش را تجربه کرده اند. کلاس های او همواره پر تعداد و موثر است و حتی غیر دانشجویان هم به این کلاس هافت و آمد دارند.



نام شفیعی کدکنی بدون تردید بر پیشانی همه نام ها می درخشد

شفیعی کدکنی ترکیب گذشته و حال، گذشته و آینده است؛ یعنی چشم انداز آینده را همان گونه می بیند که چشم انداز گذشته را دیده است. تحصیلات کلاسیک را که در دانشگاه و ادبیات عرب را که در حوزه فرا گرفته، همان قدر برایش معرفت انگیز است که نظریه های ادبیات غرب. چشم انداز آینده نگرانه و نوآورانه ای که در نگاه شفیعی است، در کمتر اندیشمندی می توان دید. قطعاً ادبیات فارسی در روزگار ما، از چند دهه پیش و بعد از انقلاب، به نام شفیعی کدکنی نامبردار است. هر جا سخن از ادبیات فارسی است، نام شفیعی کدکنی بر سر زبان است؛ در همه جا، از شرق تا غرب، من در این بودم، در آمریکا



بودم، در تاجیکستان بودم، در هند بودم. هر جا بودم، در حوزه های علمی، حوزه های آکادمیک و به خصوص آکادمیک مرتبط با زبان و ادبیات و فرهنگ ایران، نام شفیعی کدکنی بدون تردید بر پیشانی همه نام ها می درخشد؛ حتی بزرگانی مثل خالصری، زرین کوب و فروز انفر به اندازه شفیعی وسعت نام و حضور ملموس در ذهن ها ندارند. در ادبیات جهان، در کشورهای مختلف و در جاهای مختلف، نام ایشان را دیدم. این در حالی است که شفیعی کدکنی هرگز در جلسات و کنفرانس ها و مجامعی که معمولاً عامل معرفی افراد است، شرکت نمی کند. نامش غایبانه در همه جا هست، بدون این که خودش در آن جا حضور داشته باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک تربت حیدریه

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۶۰۹۱۵۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تربت حیدریه تمرفات مالکانه بالمعارض متقاضی موقوفه کبری مصفاً به تصدی اداره اوقاف و امور خیریه تربت حیدریه شماره ملی ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۶۰۹۱۴۹۰۱۲۲۸۷۳۲ در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۳۷/۹۰ متر مربع در قسمتی از پلاک شماره ۱۵۴ اصلی واقع در اراضی کاهه سفلی دهستان اربعه در خراسان رضوی بخش یک حوزه ثبت ملک تربت حیدریه خریداری و انتقال ملک از مالک رسمی صاحب جان خاکشور کاهه سفلی و برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۶۰۹۱۴۹۰۱۲۲۸۷۳۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تربت حیدریه تمرفات مالکانه بالمعارض متقاضی موقوفه کبری مصفاً به تصدی اداره اوقاف و امور خیریه تربت حیدریه شماره ملی ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۶۰۹۱۴۹۰۱۲۲۸۷۳۲ در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۷۶۲/۶۰ متر مربع در قسمتی از پلاک شماره ۱۵۴ اصلی واقع در اراضی کاهه سفلی دهستان اربعه در خراسان رضوی بخش یک حوزه ثبت ملک تربت حیدریه خریداری و انتقال ملک از مالک رسمی صاحب جان خاکشور کاهه سفلی و برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۶۰۹۱۴۹۰۱۲۲۸۷۳۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تربت حیدریه تمرفات مالکانه بالمعارض متقاضی موقوفه کبری مصفاً به تصدی اداره اوقاف و امور خیریه تربت حیدریه

سیدامین موسوی - رئیس ثبت اسناد و املاک

خبرنامه

زودتر باخبر شوید...

واحد پشتیبانی و سایت ۰۲۱-۰۹۱۰۵۴۲۵

www.mozayedemonaghese.com